

An Analysis of the Causes of Divorce as Portrayed by the Printed Media; a Case Study of Iran Newspaper Social Pages in ۱۳۹۶

Received: 2018/08/22

Accepted: 2018/12/08

Hadi Ghiasi⁻

Omid Nasiri⁻

Sajad Mahdizadeh[—]

Abstract

The Iranian social harms have a variety of causes. Ordinary people commonly don't take heed of the multidimensional characteristics of these causes. Divorce is one of these harmful phenomena in the Iranian Islamic society and the printed media play a big role in directing the public opinion in this regard. This paper is to examine how this phenomenon and its causes are portrayed in the country's media using content analysis. To do this all ۱۴۴۴ issues of Iran Newspaper were studied. As a result, the main causes as pictured in the newspaper are as follows: failure in dialog, shift in opinions as compared to the past, interference of families, lack of understanding and reconciliation, lack of necessary matrimonial skills, inability to interact with one's partner, communicative illiteracy, absence of a healthy life, conjugal disparities, family disputes, western lifestyle, attenuation of Iranian customs, and the propagation of virtual technology. In sum, we can rank in order of importance the following causes: cultural, sociological, psychological, political and economic.

Keywords: Social Harms, Divorce, Causes of Divorce, Media Representation. Content Analysis, the Press, Iranian Society

⁻ PH.D. Candidate of Culture and Communication, ISU hadi.ghiasi@gmail.com

[—] M.A. student of Islamic Studies and Theology, ISU omidnasiri^{۷۴}@gmail.com

[—] Member of Faculty of Islamic Studies , Culture and Communication, ISU s.mahdizadeh@isu.ac.ir

تحلیل بازنمایی مطبوعات از عوامل مؤثر بر طلاق؛

مورد مطالعه: صفحات اجتماعی روزنامه ایران در سال ۱۳۹۶

هادی غیائی *

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۲۳

امید نصیری **

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۷/۱۷

سجاد مهدی زاده ***

چکیده

آسیب‌های اجتماعی در جامعه ایرانی تحت تأثیر عوامل مختلفی شکل می‌گیرد. مردم عادی معمولاً به چندبعدی بودن عوامل مؤثر بر آسیب‌های اجتماعی توجه نمی‌کنند. طلاق یکی از مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی در جامعه ایران اسلامی است و مطبوعات به عنوان یکی از عناصر مهم در جهت‌دهی به ذهنیت مردم محسوب می‌شوند. مسئله این پژوهش، تحلیل بازنمایی عوامل مؤثر بر طلاق به مثابه یکی از مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی در مطبوعات ایرانی است و روش آن، تحلیل محتوا است. بدین منظور، تمامی صفحات اجتماعی روزنامه ایران در سال ۱۳۹۶ با روش تحلیل محتوای کیفی معرفی مورد بررسی قرار گرفت. براساس نتایج این پژوهش اگر به متن بازنمایی شده در صفحات اجتماعی روزنامه رجوع کنیم، عوامل فرهنگی‌ای چون عدم مهارت گفت‌وگو، تغییر دیدگاه‌ها نسبت به گذشته، دخالت خانواده‌ها، عدم تفاهم و سازش، عدم مهارت زندگی کردن، عدم مهارت تعامل با همسر، عدم سواد ارتباطی، عدم فرهنگ زندگی سالم، اختلافات زناشویی، نزاع‌های خانوادگی، رواج فرهنگ غربی، کم‌رنگ شدن فرهنگ ایرانی، عدم تفاهم خانوادگی و فضای مجازی سهم اصلی را در ایجاد طلاق دارد؛ در مجموع می‌توان به ترتیب از عوامل فرهنگی، جامعه‌شناختی، روان‌شناختی، سیاستی و اقتصادی به عنوان مهم‌ترین عوامل بازنمایی شده مؤثر در طلاق در صفحات اجتماعی روزنامه ایران نام برد.

واژگان کلیدی: آسیب‌های اجتماعی، طلاق، عوامل مؤثر بر طلاق، بازنمایی، تحلیل محتوا، مطبوعات، جامعه ایرانی

hadi.ghiasi@gmail.com

* دانشجوی دکتری فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه امام صادق (ع)

** دانشجوی کارشناسی ارشد معارف اسلامی و علوم قرآن و حدیث، دانشگاه امام صادق (ع)

omidnasiri۷۴@gmail.com

*** هیئت علمی دانشکده معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه امام صادق (ع)

s.mahdizadeh@isu.ac.ir

۱. مقدمه

آسیب‌های اجتماعی یکی از مهم‌ترین مسائل جامعه ایرانی به حساب می‌آیند، به طوری که در سال‌های اخیر ذهنیت جامعه سیاستی را برای یافتن راه حل به خود مشغول ساخته‌اند. آسیب‌های اجتماعی دارای اضلاع گوناگون به تعداد همه ابعاد و جوانب جامعه انسانی هستند. از سویی آسیب‌های اجتماعی وجهی روانی دارند و بر تعادل روانی نه تنها دو انسان، بلکه به مجموعه‌ای از افراد اثر می‌گذارند (علوی مقدم، ۱۳۹۴، ص. ۳۵). از سوی دیگر این پدیده‌ها بعدی اقتصادی دارند؛ به این معنا که هم می‌توانند جامعه را به عنوان بستر اقتصاد نابود کنند و هم این که عوامل اقتصادی متفاوتی در به وجود آمدن آسیب‌های اجتماعی دخیل هستند.

گذشته از این، آسیب‌های اجتماعی سویه‌ای اجتماعی دارند که بر تمامی جوانب اجتماعی یک جامعه تأثیر می‌گذارند؛ زیرا هم بر کمیت جمعیت اثرگذاری دارند و هم به سبب علل مختلف، باعث فزونی مرگ و میر در جامعه می‌شوند و همچنین بر کیفیت جمعیت تأثیرگذارند؛ زیرا منجر به این می‌شوند که افرادی محروم از نعمت‌های یک شهروند سالم، تحویل جامعه گردیده که به احتمال زیاد دارای شروط ضروری در راه محقق شدن مقام شهروندی سالم در اجتماع نیستند (ساروخانی، ۱۳۷۶، ص. ۱۱۳). باید در نظر داشت که آسیب‌های اجتماعی وجهی فرهنگی نیز دارند و از منظری دیگر بعدی ارتباطی را دارا می‌باشند؛ بدین‌سان در میان جامعه‌ای که دارای فرهنگ سالم و ارتباطات صحیح نیست، همانا آسیب‌های اجتماعی مختلف افزایش می‌یابد. در نتیجه آسیب‌های اجتماعی، همان‌طور که از دیدگاه فرد مهم است از دید جامعه، فرهنگ و اقتصاد نیز مهم است. این نوشتار طلاق را به مثابه یکی از مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی در جامعه ایرانی مورد مطالعه قرار می‌دهد.

در قرآن بر این مسئله تأکید شده است که زن و مرد برای آرامش یکدیگر می‌باشند. پیوند میان آن‌ها که در واقع ازدواج نامیده می‌شود، دارای ثمرات گوناگون تکاملی، جسمی، روانی، اجتماعی و... است و در دین مبین اسلام به عنوان کامل‌کننده نیمی از

دین شمرده شده است. بعد از آنکه پیوند زوجین شکل می‌گیرد، اگر طرفین بنا بر هر دلیلی از جمله اختلافات شخصیتی، اجتماعی، فرهنگی، محیطی و ... نتوانند با یکدیگر زندگی کنند، باید بر اساس قوانین و مقررات از یکدیگر طلاق بگیرند و دارای این حق می‌باشند که در صورت یافتن زوج مناسب خود دوباره ازدواج نمایند (علوی مقدم، ۱۳۹۴، ص. ۵۰).

در عصر حاضر اکثر پسرها و دخترها علاقه‌مند هستند که خودشان زوج مدنظرشان را انتخاب نمایند و خانواده نیز به علت آنکه در آینده از سرزنش‌های آنها در امان بمانند، این انتخاب را بر عهده خود آنها قرار می‌دهند. پسران و دختران که آموزش‌های لازم در زمینه ازدواج را ندیده و تجربه کافی در این زمینه ندارند و نقش‌های سنتی در ازدواج را کنار گذاشته‌اند، دچار مشکلات بیشتری در زندگی زناشویی می‌شوند و در نتیجه آن، احتمال طلاق در آنها بیشتر شده و آمار طلاق در جامعه افزایش می‌یابد. از طرفی هرچه فاصله طبقاتی، فرهنگی، مذهبی، اقتصادی در میان آنها بیشتر باشد، احتمال طلاق نیز افزایش می‌یابد (ساروخانی، ۱۳۷۶، ص. ۱۲۴).

اما مطالعه آمار طلاق در جامعه ایرانی حاکی از رشد فزاینده طلاق در سال‌های اخیر است. این رشد محسوس را می‌توان آسیب‌شناسی کرد و به عوامل مختلف مؤثر در به وجود آمدن آن پرداخت. یکی از راه‌های بررسی عوامل مؤثر بر طلاق، تحلیل بازنمایی آنها در رسانه‌هاست، چرا که یکی از مؤثرترین عوامل تأثیرگذار بر آگاهی و افکار عمومی، رسانه‌ها هستند. اهمیت رسانه‌ها در زندگی جوامع امروزی بر کسی پوشیده نیست. رسانه‌ها هم واقعیت‌ها را بازنمایی می‌کنند و هم در خلق رویدادهای اجتماعی دخیل هستند. با مطالعه رسانه‌ها هم می‌توان به چگونگی تأثیر آنها بر افکار عمومی جامعه پرداخت و هم می‌توان از دریچه رسانه‌ها واقعیت‌های موجود در جامعه را بررسی کرد. مسئله این پژوهش، چگونگی بازنمایی عوامل مؤثر بر طلاق در مطبوعات ایرانی است. این مقاله با بررسی صفحه اجتماعی یکی از روزنامه‌های ایران،

به مطالعه عوامل مؤثر بر طلاق در جامعه ایرانی و بازنمایی آن‌ها در مطبوعات می‌پردازد.

۲. پیشینه تحقیق

برخی پژوهشگران در تحقیقات خود بر عوامل مؤثر بر طلاق پرداخته‌اند که به برخی از آن‌ها اشاره می‌گردد:

گلشن (۱۳۷۲) در پژوهش «طلاق و عوامل اجتماعی - جمعیت‌شناختی مؤثر بر آن» در شهر خوی عوامل تأثیرگذار بر پدیده طلاق را مواردی همچون نوع شغل، اشتغال زنان، ازدواج در سنین کم، شهرنشینی، وجود اختلاف سنی بین زوجین، کوتاه بودن مدت زناشویی مشترک، بیکاری، کمی فرزند و بی‌فرزندی، میزان تحصیلات، پیش‌رسی ازدواج و ... می‌داند.

ساروخانی (۱۳۷۶) در کتاب خود با عنوان «طلاق، پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن»، از منظر علم جامعه‌شناسی به بررسی پدیده طلاق در ایران و مقایسه آن با سایر کشورهای جهان پرداخته است. وی طلاق را پدیده‌ای روانی، اجتماعی، فرهنگی معرفی می‌کند. وی، قشربندی اجتماعی، تحصیلات، تعداد فرزندان، سستی روابط اجتماعی، سن زوجین و قوانین را از جمله عوامل مؤثر بر طلاق می‌داند.

شریف آذر و شادجو (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر رسانه‌ها بر طلاق» به بررسی تأثیر رسانه بر پدیده طلاق و نهاد خانواده، میزان از بین رفتن یا تقویت ارزش‌ها و هنجارها توسط رسانه، ارتباط آن با طلاق، اولویت‌های کسب لذت فردی در درون خانواده و اهمیت استقلال و هویت فردی در رسانه پرداخته‌اند. روش مطالعه صورت‌گرفته، مروری بر تحقیقات انجام‌شده در این حوزه می‌باشد. یافته‌ها نشان‌دهنده آن است که رسانه، تأثیر منفی بر خانواده داشته است. استفاده نامطلوب از رسانه باعث افزایش آمار طلاق و ایجاد تنش در خانواده شده است. از طرفی ضعف رسانه ملی به این امر دامن زده است.

کاملی (۱۳۸۶) در تحقیقی با عنوان «بررسی توصیفی علل و عوامل مؤثر در بروز آسیب اجتماعی طلاق در جامعه ایران» با توجه به آمار و اسناد موجود به بررسی آسیب‌های ناشی از طلاق در جامعه ایران پرداخته است. این تحقیق به پیگیری پدیده طلاق در جامعه ایران با هدف شناسایی عوامل اثرگذار در ایجاد پدیده طلاق در ابعاد گوناگون اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، فردی و شخصیتی و... پرداخته است.

امیری (۱۳۹۳) در مقاله «بررسی نقش رسانه‌ها در فرهنگ‌سازی برای کاهش آسیب‌های اجتماعی منجر به طلاق» به بررسی نقش رسانه‌ها در فرهنگ‌سازی و آگاهی‌رسانی مبانی تحکیم خانواده می‌پردازد. این مقاله مهم‌ترین کارکرد اساسی برای کاهش مشکلات خانوادگی و آسیب‌های اجتماعی و فردی ناشی از پدیده طلاق را فرهنگ‌سازی در جهت تحکیم بنیان خانواده می‌داند و یکی از ابزارهای کارآمد در حوزه آموزش و مفهوم‌سازی عمومی را رسانه‌ها عنوان می‌کند.

پیشوایی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «بررسی طلاق، علل و راهکارهای کاهش آن» به بررسی چالش‌های امروزی خانواده‌ها که منجر به طلاق می‌شود، پرداخته است.

عبداللهی خلیج و کبودی (۱۳۹۷) در مقاله «نقش رسانه‌های جمعی در پیشگیری از گسترش طلاق» یکی از مهم‌ترین ابزارهایی که می‌تواند در پیشگیری و مقابله با گسترش طلاق مؤثر باشد را به‌کارگیری هوشمندانه و کارآمد رسانه‌های ارتباط جمعی معرفی می‌کنند. هدف این پژوهش که به صورت استنادی به انجام رسیده است، مطالعه نقش و کارکرد پیشگیرانه رسانه‌های جمعی در زمینه پیشگیری از طلاق است.

کرمی بساطی و ابدالی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «طلاق و تأثیر آن بر خانواده» بیان می‌دارند که ضعف بنیه فرهنگی و عدم آگاهی و پایبندی به ایمان و تقیدات مذهبی خانواده‌ها، به‌خصوص در میان والدین؛ مهم‌ترین عامل سستی روابط خانوادگی و در نتیجه افزایش طلاق است. معضلات اجتماعی مانند افزایش نرخ طلاق و گسترش

اضطراب در میان جوانان، این روزها افزایش یافته که پیامدهای آن در زندگی خانوادگی قابل بررسی است.

قاسمی (۱۳۹۵) در کتاب «بازخوانی برخی از علل و عوامل طلاق با تأکید بر نقش رسانه ملی» سعی می‌کند علاوه بر بیان مهم‌ترین زمینه‌ها و عوامل طلاق، برخی از راه‌حل‌های کاهش میزان طلاق را نیز ارائه دهد.

بلالی و شامحمدی (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «طلاق و تأثیرات روان‌شناختی آن بر زنان» به این نتیجه رسیده‌اند که رایج‌ترین عوارض استرس پس از طلاق در زوجین عبارتند از: بیماری‌های جسمانی، افراط در کشیدن سیگار، اضطراب، افسردگی، نگرانی، مفراط، ناکامی‌ها و محرومیت‌های گوناگون، اختلال در مناسبات اجتماعی، تنهایی، احساس شکست و گناه، دل‌سردی و بی‌اشتیاقی نسبت به زندگی، در خود فرو رفتن، بی‌توجهی به محیط و اطرافیان، سرخوردگی از زندگی، تردید در ازدواج مجدد، ناتوانی در تمرکز حواس و تپش قلب.

شهابی و محمدپور (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر استفاده از رسانه‌های جمعی بر گرایش زوجین به طلاق در شهر بانه» مطالعه موردی زوجین ۴۵-۱۸ ساله شهرستان بانه» به توصیف و تبیین تأثیر استفاده از رسانه‌های جمعی بر گرایش زوجین به طلاق در این شهر پرداخته‌اند. در این تحقیق از تئوری کاشت کارکردگرایان برای تبیین گرایش به طلاق استفاده شده است.

کریمی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «بررسی جنبه‌های مختلف طلاق در جامعه» به بررسی جنبه‌های مختلف طلاق در زندگی فردی و اجتماعی افراد پرداخته است.

تفاوت نوشتار حاضر با پژوهش‌های انجام شده در این است که این پژوهش به دنبال نسبت‌یابی عوامل مؤثر بر طلاق در بازنمایی مطبوعات از عوامل زمینه‌ساز طلاق است و برای تحقق این هدف از روش تحلیل محتوا بهره می‌گیرد.

۳. مبانی نظری پژوهش

۳-۱. بازنمایی (Representation)

یکی از مفهومی‌های داری اهمیت و برجسته مطالعات رسانه‌ای و فرهنگی در دوران حاضر، مفهوم بازنمایی^۱ است. مهم‌ترین چهره مطالعات فرهنگی، استوارت هال^۲ بوده است. آثار او در زمینه بازنمایی و ارزش آن در حیطه فرهنگ رسانه‌محور امروزی، این مفهوم را به یکی از اساسی‌ترین مسئله‌های حوزه مطالعات فرهنگی تبدیل کرده است. وی، بازنمایی را به عنوان استفاده از زبان برای بیان کردن نکته معناداری در مورد جهان می‌داند؛ طریقی که معنا از راه آن شکل گرفته و در میان همه افراد یک فرهنگ توزیع و مبادله می‌شود. در نهایت معنا از طریق نظام بازنمایی شکل می‌گیرد (مهدی زاده، ۱۳۹۵، ص. ۲۲).

هال، بازنمایی، معنا و زبان را به فرهنگ ارتباط می‌دهد. به عبارت دیگر، بازنمایی قسمتی مهم از فرآیندی است که به تولید معنا و مبادله آن در میان افراد یک فرهنگ می‌پردازد. او برای بیان نحوه رابطه در میان بازنمایی، معنا، فرهنگ و زبان به دسته‌بندی بعدهای گوناگون بازنمایی پرداخته است. با توجه به این مبنا، نظریه‌های بازنمایی به سه رویکرد نظری دسته‌بندی می‌شوند، که شامل: رویکردهای بازتابی^۳، التفاتی (تعمدی)^۴ و برساختی (برساخت - گرا)^۵ هستند. در بازتابی، بدین نحو فرض می‌شود که معنا در شخص، شیء، ایده، یا رویداد موجود در جهان خارج وجود دارد و زبان، درست مثل آینه‌ای است که معنا را به همان شکل که در خارج موجود است، بازتاب می‌دهد. بر مبنای التفاتی (تعمدی)، برعکس رویکرد اول، نویسنده، از زبان بهره برده و معنای مورد نظر خود را از طریق کلمات بیان می‌کند. لذا، دوربین همواره در یک متن رسانه‌ای، نشانگر اراده درونی نویسنده متن

۱- Representation

۲- Hall

۳- reflective approach

۴- intentional approach

۵- constructive approach

است. حال، بیان می‌کند که در این رویکرد، زبان یک امر کاملاً خصوصی است. در رویکرد سوم، توجه بیشتر در حیطه اجتماعی و عمومی زبان است. براساس این رویکرد نه اشیاء، و نه کاربران زبان، توان ایجاد یک معنای پایدار در زبان را ندارند. به بیان دیگر، چیزها معنا نمی‌دهند اما، ما معانی را از طریق نظامی از نشانه‌ها و مفاهیم ایجاد می‌کنیم. آنچه که معنا را با خود حمل می‌کند، جهان مادی نیست، بلکه نظام زبانی که برای تبیین مفهوم‌ها از آن بهره می‌بریم، حامل معنا است (هاشمی و فرخی، ۱۳۹۴، ص. ۱۱۳).

حال پس از آنکه نظرات سوسور در خصوص نظام نشانه‌ای زبان و سیستم تولید معنا در بازنمایی زبان را مورد بررسی قرار می‌دهد، به نقش و میزان اثرگذاری گفتمان در زبان می‌پردازد. در این نگاه، توجه اصلی بر زبان‌های خاص و چگونگی به‌کارگیری آن زبان در زمان و مکان‌های به خصوص می‌باشد. بر اساس این، درباره بازنمایی حقیقت به‌وسیله رسانه‌ها باید توجه داشت که یک رسانه هیچ‌وقت ابزاری بی طرف در ارائه تصویر نیست. رسانه متکی به زبان و معنا است و زبان و معنا نیز در حیطه گفتمان اغلب به قدرت متکی است. در نتیجه بازنمایی رسانه‌ای بدون جانبداری ایدئولوژیک نیست و همواره در حال تضعیف یا تثبیت گفتمان یا جناحی خاص است (هاشمی و فرخی، ۱۳۹۴، ص. ۱۱۴). در این نوشتار رویکرد پراساختی به بازنمایی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۳-۲. نظریات طلاق

با توجه به هدف کلی این تحقیق یعنی شناخت علل و عوامل مؤثر بر بروز طلاق از منظر مطبوعات ایرانی، از نظریاتی که به تبیین عوامل مؤثر بر طلاق پرداخته‌اند می‌توان استفاده کرد که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود.

بر اساس مبانی آموزش اجتماعی، زمانی در یک منطقه پدیده‌ای مثل طلاق شیوع پیدا می‌کند و تئوری و عملکردی برای مقابله با آن وجود ندارد که این پدیده در میان افراد آن جامعه گسترش می‌یابد و تبدیل به فرهنگ شده و از قبح آن کاسته می‌شود؛ در

نتیجه به خاطر طبیعی شدن این پدیده در میان افراد، اکثریت تحت تأثیر این فرهنگ قرار گرفته و آمار طلاق در میان آن‌ها چشمگیرتر می‌گردد. مثلاً زمانی که فرزندان در خانواده خود طلاق پدر و مادر را شاهد هستند، احتمال اقدام به طلاق در آینده در میان آن‌ها بیشتر است. طبق نظریه کنترل، طلاق زمانی شکل می‌گیرد که نهادها و پیوندهای کنترل‌آور جامعه دیگر از توان کافی برخوردار نباشند. بر اساس این نظریه، انسان‌ها موجوداتی بهره‌مند از عقل بوده که در راستای بهره‌وری بیشتر خود عمل می‌کنند، مگر آنکه از راه کنترل اجتماعی و یا فرهنگ‌سازی در اجتماع، نیروی این کار از آن‌ها سلب گردد (گیدنز، ۱۳۷۸، ص. ۴۲۰).

از طرفی به هر میزان اختلافات اجتماعی، فرهنگی، شغلی، جغرافیایی، دینی و زبانی زوجین بیشتر باشد، احتمال اینکه در معرض طلاق قرار بگیرند، بیشتر است؛ البته این امر یقینی نیست، زیرا پدید آمدن طلاق مستلزم وجود عوامل دیگری نیز هست (گیدنز، ۱۳۷۸، ص. ۱۳۲).

بر اساس تئوری همسان همسری، اگر زوجین بنا بر هر دلیلی، فردی را به عنوان همسر انتخاب نمایند که از لحاظ ویژگی‌های مختلف رفتاری، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و... با آن‌ها تفاوت داشته باشد، احتمال طلاق در میان آن‌ها افزایش می‌یابد و بخش زیادی از طلاق‌ها به خاطر همین پدیده ناهمسان همسری است (ساروخانی، ۱۳۷۶، ص. ۱۲).

بر اساس نظریه بحران وجدان جمعی، وجدان جمعی یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر و تأثیرگذار در حفظ و تحقق ارزش‌ها و اهداف متعالی اجتماع می‌باشد. بر اساس نظر دورکیم به میزانی که وجدان جمعی قوی‌تر باشد، خشم مردم جامعه در برابر هنجارشکنی‌ها نیز بیشتر خواهد بود. همچنین امکان تحقیر هنجارهای اجتماعی برای افراد جامعه وجود دارد، اما در برابر وجدان جمعی جز پیروی کردن راهی نیست. افزایش آمار طلاق در جامعه کنونی ما باعث شده تا قبح طلاق شکسته شده و نسبت به آن نوعی تساهل به وجود آید. با کم‌رنگ و یا تضعیف وجدان جمعی، دیگر طلاق به

عنوان یک پدیده منفی و ضد ارزش در جامعه شناخته نمی‌شود. بدین صورت آمار میزان طلاق بالا می‌رود. در جامعه‌ای که طلاق پدیده‌ای طبیعی و عادی شده است و حساسیت جامعه نسبت به آن کاهش یافته است، میزان طلاق نیز زیاد است و برعکس در جوامعی که طلاق به عنوان پدیده‌ای منفور و ضد ارزش تلقی می‌شود، آمار آن نیز کاهش می‌یابد. از طرف دیگر در عصر حاضر این گرایش به نوعی نگارش خاص وجود دارد که طلاق را پدیده‌ای حقوقی و نه اجتماعی دانسته که این نوع نگرش خود به افزایش آمار طلاق کمک می‌کند (ساروخانی، ۱۳۷۶، ص. ۱۴).

با توجه به مباحث نظری مطالعه شده، عوامل مؤثر بر پدیده طلاق دارای ابعاد مختلفی است و مطالعات نشان می‌دهد که تمامی عوامل و اثرگذار بر طلاق با همدیگر شبکه‌ای را ایجاد کرده که با یکدیگر در تعامل بوده و به شکل سیستمی عمل می‌کنند و عدم توجه به هر یک از این عوامل اثرگذار، عامل رشد آمار طلاق در جامعه است (عنایت و همکاران، ۱۳۹۲، ص. ۱۳).

بر اساس پژوهش‌ها، به‌طور کلی می‌توان گفت چهار دسته عوامل اجتماعی، دینی، روان‌شناسی و اقتصادی در ارتباط با طلاق در تحقیقات داخلی و خارجی سه دهه اخیر در بخش طلاق بازنشاسی شده است (عنایت و همکاران، ۱۳۹۲، ص. ۱۳). در سطح اقتصادی، «مشکلات مالی و اقتصادی» از فراوان‌ترین عوامل تأثیرگذار بر ازدواج بوده است. در زمینه روان‌شناختی نیز، «ضعف در مهارت‌های رفتاری و شخصیتی» و «اختلالات روانی» به‌عنوان عوامل تأثیرگذار بر طلاق شناخته شده است. از بین عوامل اجتماعی طلاق می‌توان به «سطح تحصیلات و تفاوت تحصیلی زوجین» اشاره کرد. در سطح اجتماعی، «سن ازدواج و اختلاف سنی زوجین» به‌عنوان رایج‌ترین عامل مؤثر بر ازدواج مورد اشاره بوده است. در بعد دینی، «کاهش پایبندی به ارزش‌های دینی» به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر در طلاق شناخته شده است. همچنین در تحقیقات مرور شده تأثیر «عوامل و مسائل خانوادگی» در طلاق تأیید شده است. نهایتاً در

پژوهش‌های صورت گرفته می‌توان اشاره‌ای به رابطه «سوء مصرف مواد و ارتکاب جرم» نیز داشت (عنایت و همکاران، ۱۳۹۲، ص. ۱۳).

۴. روش پژوهش

در این پژوهش با هدف تحلیل بازنمایی عوامل اثرگذار در پدیده طلاق در روزنامه، از روش «تحلیل محتوای کیفی» بهره برده شده است. تحلیل محتوای کیفی یکی از روش‌های پرکاربرد کیفی تحقیق است. از انتهای سده بیستم که با تحلیل صوری بدون توجه به محتوای پنهان، زمینه متن بیشتر گردید، اهتمام به رویکردهای کیفی در تحلیل محتوا افزایش یافت (Mayring, 2000, p. 3). پژوهشگران با استفاده از این روش، وجود معانی و روابط واژه‌ها یا مفاهیم را به‌طور کلی بررسی و تحلیل می‌کنند و سپس پیام‌های نهفته در متن‌ها یا پیام‌های نویسندگان و مخاطبان و حتی فرهنگ و زمان این پیام‌ها را تفسیر می‌کنند. متن در اینجا شامل انواع پیام‌های ارتباطی می‌شود (رسولی و آشتیانی، ۱۳۹۰، ص. ۲۷). تحلیل محتوا یک روش قابل قبول در بررسی متنی به ویژه در حیطه ارتباطات و رسانه‌های جمعی است (ادیب حاج باقری، پرویزی و صلصالی، ۱۳۸۶، ص. ۲۵۲). میان روش تحلیل محتوای کیفی و روش‌هایی مثل نشانه‌شناسی و همچنین تحلیل گفتمان شباهت‌های فراوانی وجود دارد که در آن معمولاً با معیارهای زبان‌شناسی، به تبیین، بررسی، تحلیل، توصیف و تحلیل معانی آشکار و پنهان و نشانه‌های یک متن گفتاری، نوشتاری و تصویری پرداخته می‌شود. این شباهت، به دلیل کیفی بودن هر سه روش، عطف توجه همزمان به محتوای آشکار و پنهان و کوشش برای شناخت نسبت‌های فرامتنی و بینامتنی به وجود آمده است. در روش تحلیل محتوا، در مواردی برای ایجاد پایایی، از عدد و رقم نیز به تناسب نیاز بهره برده، اما استفاده از اعداد و محاسبات آماری این نوع از تحلیل‌ها، امری ضروری و گریزناپذیر نیست. تنوع خوانش‌ها، دخالت ذهن تفسیرکننده در فرآیند تفسیر، قابلیت متن برای دخالت عناصر فرامتنی و بینامتنی در تفسیر متن، چند لایه بودن معانی مخفی و گاه، ناهمخوانی میان معانی آشکار و پنهان و به‌طور کلی، جنبه‌های

ذهنی غالب، مانع از تبدیل معانی متراکم به کدهای شمارشی می‌شود (ساروخانی و شهسواری، ۱۳۹۳، ص. ۵۵). خروجی تحلیل محتوای کیفی، حاصل کدگذاری داده‌ها و صورت‌بندی آن‌ها است. سیه و شانون (Hsieh and Shannon, ۲۰۰۵) سه رویکرد مختلف را برای تحلیل محتوا (با تمرکز بر تحلیل محتوای کیفی) مطرح می‌کنند که عبارتند از: تحلیل محتوای عرفی، تحلیل محتوای هدایت‌شده و تحلیل محتوای تلخیصی. در تحلیل محتوای عرفی، رموزها از داده‌ها مشتق می‌شوند. در تحلیل محتوای هدایت‌شده، رموزها از نظریه‌ها یا یافته‌های پژوهش مشتق می‌شوند. در تحلیل محتوای تلخیصی واژه‌های کلیدی بر اساس علایق پژوهشگر یا ادبیات پژوهش به دست می‌آیند (بشیر و جواهری، ۱۳۹۵، ص. ۹۸). این پژوهش از روش تحلیل محتوای کیفی با رویکرد عرفی بهره می‌برد.

۵. یافته‌های پژوهش

بر اساس روش تحلیل محتوای کیفی، محتوای صفحات اجتماعی روزنامه ایران در سال ۱۳۹۶ مورد بررسی قرار گرفت. واحد تحلیل محتوا در این پژوهش پاراگراف بود و هر کجا واژه «طلاق» در تیتراژ یا متن اصلی مطالب صفحات اجتماعی روزنامه ایران مشاهده شد، آن مطلب مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. در یک مطلب از صفحات روزنامه امکان دارد به یک مقوله از عوامل طلاق اشاره شده باشد، اما در مطالبی که به چند مقوله از عوامل طلاق در کنار یکدیگر اشاره شده است، تمامی آن‌ها شمارش و مورد تحلیل قرار گرفته است. مقوله‌بندی بر اساس مبانی نظری پژوهش به چهار دسته «عوامل دینی»، «عوامل روان‌شناختی»، «عوامل اجتماعی» و «عوامل اقتصادی» تقسیم شده است. بر اساس جستجوی واژه طلاق در تمامی مطالب صفحات اجتماعی روزنامه ایران در سال ۱۳۹۶ تعداد ۱۸ مطلب در قالب‌های مختلف خبر و گزارش به‌طور مستقیم به عوامل طلاق اشاره شده است. از مجموع ۱۸ مضمون مرتبط با طلاق، پس از کدگذاری مرحله اول، ۳۶ مفهوم استخراج گردید (جدول شماره (۱)).

جدول (۱) - مفاهیم مؤثر در طلاق

مفهوم	مضمون
کمبود سیاست‌های رفاه اجتماعی	برای افزایش، تشویق و ترغیب ازدواج و کاهش طلاق، نیازمند تدوین سیاست‌های حمایت از خانواده و رفاه اجتماعی هستیم.
فقر	وی با بیان اینکه غیر از رابطه سستی بین فقر و طلاق، علامت‌های دیگری نیز وجود دارد، تصریح کرد: بیشترین آمار طلاق در تهران تنها مربوط به مناطق ۱۶ و ۱۸ نیست و در مناطق ۱، ۲ و ۳ تهران نیز آمار طلاق بالا است.
فضای مجازی خشونت	ابتکار گفت: اکنون به نقطه‌ای رسیده‌ایم که افسردگی، طلاق، خشونت علیه زنان و رفتارهای پرخطر دیگر افزایش یافته است و البته آن طرف نیز تلاش‌های عامدانه‌ای می‌شود که از طریق فضای مجازی و گوشی‌های تلفن همراه هوشمند که در دست همه مردم است، این مسائل و آسیب‌ها گسترش پیدا کند.
عدم تفاهم خانوادگی اعتیاد ترک زندگی	بارزترین علت طلاق نبود تفاهم خانوادگی بوده است، در ادامه اعتیاد به مواد مخدر و ترک زندگی جزو دلایل دیگر علل طلاق ذکر می‌شود.
عدم امنیت روانی عدم امنیت اجتماعی سوءظن جنسی عدم رابطه جنسی مناسب فقر اعتیاد	در حال حاضر براساس مطالعاتی که انجام شده، نخستین علت طلاق مربوط به نداشتن امنیت روانی و اجتماعی است. همچنین مسئله سوءظن جنسی همسران و نبود رابطه جنسی مناسب در بین آنان و در نهایت فقر و اعتیاد، علل دیگر گسترش طلاق در جامعه هستند.
رواج فرهنگ غربی کمرنگ شدن فرهنگ ایرانی	قانون‌گذار نمی‌تواند دخالتی در چارچوب خانواده‌ها و نوع تصمیمات‌شان داشته باشد، اما

	<p>مسئولان فرهنگی می‌توانند در کاهش این معضل اجتماعی اثرگذار باشند؛ چراکه مهم‌ترین علل افزایش آمار طلاق‌های کنونی، به ورود فرهنگ غربی به کشور برمی‌گردد، که در پی آن، فرهنگ ایرانی کمرنگ شده است.</p>
<p>عدم امنیت شغلی استرس اضطراب نگرانی خستگی بیش از حد</p>	<p>وی با تأکید بر اینکه اصلی‌ترین مشکل مردان شاغل، امنیت شغلی است، گفت: نتایج دیگر این تحقیق نشان می‌دهد، کارکنانی که طلاق گرفته و یا روزمزد هستند بیشتر از سایرین دچار مشکل روان‌شناختی هستند و نشانه‌های استرس، اضطراب، نگرانی، خستگی بیش از حد و کمر درد در آنها زیاد است.</p>
<p>بیکاری</p>	<p>رحمانی فضلی با اشاره به زنجیره‌ای و چند بعدی بودن آسیب‌های اجتماعی، به ایسنا گفت: با آسیب‌های اجتماعی متفاوتی از جمله؛ اعتیاد، حاشیه‌نشینی و طلاق در کشور مواجه هستیم و در این میان در برخی مناطق که میزان بیکاری در آنها بالاست، این آسیب‌ها حادث‌تر هستند.</p>
<p>کمبود فرهنگ‌سازی برای گسترش فرهنگ زندگی سالم عدم اشتغال عدم فرهنگ زندگی سالم اختلافات زناشویی نزاع‌های خانوادگی</p>	<p>توجه به مشکلات اقتصادی و فرهنگی در جامعه از جمله مسئله اشتغال و درآمد جوانان و نیز فرهنگ‌سازی برای گسترش فرهنگ زندگی سالم در خانواده و کاهش اختلافات زناشویی و نزاع‌های خانوادگی که به افزایش طلاق منجر می‌شود، به بهبود شاخص‌های سلامت خانواده در کشور منجر می‌شود.</p>
<p>بیکاری عدم آموزش‌های قبل ازدواج عدم مشاوره</p>	<p>سلمان خدادادی با اشاره به اینکه از سال ۱۳۸۵ روند آسیب‌های اجتماعی در کشور به دلیل برخی عوامل از جمله مسائل اقتصادی رو به افزایش</p>

	<p>است، می‌گوید: آسیب‌های اجتماعی در حوزه مفاسد اخلاقی، طلاق، حاشیه‌نشینی و اعتیاد به دلیل عواملی از جمله مسائل اقتصادی، بیکاری، نبود آموزش‌های قبل از ازدواج و انجام مشاوره و... باعث رشد غیرمعمول این آسیب‌ها شده است.</p>
اعتیاد	<p>اعتیاد، هویت و وظیفه‌مندی فرد را تحت تأثیر قرار داده و اختلالات روحی و روانی را تشدید می‌کند و اثر هم‌افزایی در بروز جرایم کوچک و بزرگ و شیوع آسیب‌هایی مانند طلاق را دارد.</p>
عدم سواد ارتباطی فقر بیکاری	<p>وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی با بیان اینکه امروز ۳۵ هزار کلاس اولی از تحصیل بازمانده‌اند که تا کلاس ششم این عدد به ۱۴۰ هزار نفر می‌رسد، گفت: علت اول طلاق، سواد ارتباطی است و فقر و بیکاری در مرحله چهارم طلاق قرار گرفته است.</p>
فقر بیکاری عدم مهارت زندگی کردن عدم مهارت تعامل با همسر	<p>فکر می‌کردیم که فقر و بیکاری علت اصلی طلاق است، اما پس از انجام بررسی‌های مربوطه به این نتیجه رسیدیم که عدم برخورداری از مهارت زندگی کردن و تعامل با همسر از جمله دلایل مهم طلاق زوجین است.</p>
عدم تفاهم و سازش دخالت خانواده‌ها ترک زندگی اعتیاد مشروبات الکلی	<p>بارزترین علل طلاق مربوط به مسائلی همچون «عدم تفاهم و امکان سازش (۹/۴۵ درصد)»، «دخالت خانواده‌ها (۷/۹ درصد)»، «ترک زندگی (۷/۴ درصد)»، «اعتیاد به مواد مخدر یا مشروبات الکلی (۳/۴ درصد)» است.</p>
عدم اجرای قانون تسهیل ازدواج جوانان مشکلات معیشتی	<p>همچنان پیگیر اجرای قانون تسهیل ازدواج جوانان از سوی دولت هستیم، زیرا جوانان کشور در امر</p>

	<p>ازدواج با مشکلات اقتصادی و معیشتی زیادی مواجه هستند که بی توجهی نسبت به رفع این مشکلات، افزایش طلاق و کاهش ازدواج در کشور را به دنبال داشته است.</p>
<p>اعتیاد</p>	<p>۶۰ درصد جرایم و ۵۰ درصد طلاق‌ها مربوط به معتادان است.</p>
<p>بیکاری اعتیاد تغییر دیدگاه‌ها نسبت به گذشته تغییر ساخت قدرت در خانواده‌ها نسبت به گذشته عدم مهارت گفت‌وگو</p>	<p>مردم به طور سنتی فکر می‌کنند بیکاری و اعتیاد ریشه‌های طلاق هستند و این در حالی است که با تحقیقات انجام شده به این نتیجه رسیدیم که با تغییر دیدگاه‌ها و ساخت‌های قدرت در خانواده‌ها، زوج‌ها مهارت گفت‌وگو با یکدیگر را ندارند و ناسازگاری شش ماه اول ازدواج منجر به بسیاری از جدایی‌ها شده است و این در حالی است که بیکاری و اعتیاد در رتبه چهارم دلایل طلاق‌ها قرار دارد.</p>

سپس در کدگذاری مرحله دوم ۳۵ مفهوم استخراج شده را در ۵ مقوله کلی دسته‌بندی کردیم (جدول شماره ۲). بدین ترتیب عواملی که در صفحات اجتماعی روزنامه ایران به عنوان عوامل مؤثر در طلاق بازنمایی شده است، ذیل پنج مقوله عوامل اجتماعی، عوامل فرهنگی، عوامل اقتصادی، عوامل سیاسی و عوامل روان‌شناختی دسته‌بندی می‌شوند.

جدول (۲) - مقولات مؤثر در طلاق

مفهوم	مقوله
تغییر ساخت قدرت در خانواده‌ها نسبت به گذشته اعتیاد مشروبات الکلی ترک زندگی عدم امنیت اجتماعی خشونت	عوامل اجتماعی
عدم مهارت گفت‌وگو تغییر دیدگاه‌ها نسبت به گذشته دخالت خانواده‌ها عدم تفاهم و سازش عدم مهارت زندگی کردن عدم مهارت تعامل با همسر عدم سواد ارتباطی عدم فرهنگ زندگی سالم اختلافات زناشویی نزاع‌های خانوادگی رواج فرهنگ غربی کمرنگ شدن فرهنگ ایرانی عدم تفاهم خانوادگی فضای مجازی	عوامل فرهنگی
بیکاری مشکلات معیشتی عدم اشتغال فقر	عوامل اقتصادی
عدم آموزش‌های قبل ازدواج	عوامل سیاسی

	<p>عدم مشاوره</p> <p>کمبود فرهنگ‌سازی برای گسترش فرهنگ زندگی سالم</p> <p>عدم اجرای قانون تسهیل ازدواج جوانان</p> <p>کمبود سیاست‌های رفاه اجتماعی</p>
عوامل روان‌شناختی	<p>عدم امنیت شغلی</p> <p>استرس، اضطراب و نگرانی</p> <p>خستگی بیش از حد</p> <p>عدم امنیت روانی</p> <p>سوءظن جنسی</p> <p>عدم رابطه جنسی مناسب</p>

جدول خروجی‌های تحلیل محتوای کیفی عرفی بدین صورت قابل ارائه است:

عوامل مؤثر در طلاق	تعداد مطالب	درصد فراوانی
عوامل سیاستی	۵	۱۴,۲٪
عوامل روان‌شناختی	۶	۱۷,۱٪
عوامل اجتماعی	۶	۱۷,۱٪
عوامل اقتصادی	۴	۱۱,۴٪
عوامل فرهنگی	۱۴	۴۰٪

بر این اساس بیشترین درصد متعلق به عوامل فرهنگی‌ای چون عدم مهارت گفت‌وگو، تغییر دیدگاه‌ها نسبت به گذشته، دخالت خانواده‌ها، عدم تفاهم و سازش، عدم مهارت زندگی کردن، عدم مهارت تعامل با همسر، عدم سواد ارتباطی، عدم فرهنگ زندگی سالم، اختلافات زناشویی، نزاع‌های خانوادگی، رواج فرهنگ غربی، کم‌رنگ شدن فرهنگ ایرانی، عدم تفاهم خانوادگی و فضای مجازی است. پس از آن عوامل روان‌شناختی و جامعه‌شناختی، درصد یکسانی به خود اختصاص داده‌اند. عوامل سیاستی و اقتصادی در رده‌های بعدی قرار می‌گیرند.

۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

طلاق، پدیده‌ای مهم و تأثیرگذار در زندگی بشر است که ابعاد مختلف زندگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. طلاق ابعاد روان‌شناختی، جامعه‌شناختی، اقتصادی، ارتباطی و فرهنگی دارد و در جوامع امروزین حاصل سیاست‌گذاری حکومت‌هاست. نکته مهم، میزان سهم هر یک از این عوامل در ایجاد طلاق در جامعه ایرانی است. امری که نگارندگان این سطور را بر آن داشت تا به تحلیل محتوای مطبوعات در سال ۱۳۹۶ بپردازد. بدین منظور تمامی صفحات اجتماعی روزنامه ایران در سال ۱۳۹۶ مورد بررسی قرار گرفت.

با توجه به جدول تحلیل محتوای کیفی عرفی به دست آمده از داده‌های این پژوهش، به نظر می‌رسد عاملی که در نظریه‌های جامعه‌شناختی به شدت مورد غفلت واقع شده است یا حداقل در جامعه ایرانی بسیار بیشتر از آنچه که در نظریات جامعه‌شناختی مورد تأکید قرار گرفته، دارای تأثیر است، عامل فرهنگی مؤثر در طلاق است. عاملی که بیشترین درصد بازنمایی در مطبوعات را به خود اختصاص داده است. اما از تفاوت آمار واقعی در متن جامعه با آمار بازنمایی شده در روزنامه‌ها _ که این تفکیک مورد توجه برخی از نظریات حوزه ارتباطات قرار گرفته است _ نباید غافل شد. به عنوان مثال ممکن است سهم عوامل اقتصادی چون بیکاری، مشکلات معیشتی و فقر خیلی بیش از آن چیزی باشد که در آمار بازنمایی شده توسط مطبوعات نشان داده شده است. مواردی که در نظریات جامعه‌شناختی نیز ما را متوجه آن می‌سازند. در واقع اگر ما به واقعیت بازنمایی شده در مطبوعات توجه کنیم، عوامل فرهنگی پررنگ جلوه می‌کند، اما وقتی به نظریات جامعه‌شناختی رجوع می‌کنیم آن‌ها عوامل اقتصادی و اجتماعی را مورد تأکید قرار می‌دهند.

بنابراین بر اساس نتایج این پژوهش باید گفت که مطبوعات ایرانی عوامل فرهنگی را در بالاترین رتبه و عوامل اقتصادی را در پایین‌ترین رتبه از لحاظ مؤثر بودن در بروز پدیده طلاق مورد بازنمایی قرار می‌دهند. جدای از درصد تطابق بازنمایی مطبوعات با

واقعیت، باید گفت این بازنمایی مطبوعاتی خود را در افکار عمومی نشان داده و از این طریق وارد متن زندگی جاری مردم خواهد شد.

کتابنامه

۱. ادیب حاج باقری، محسن؛ پرویزی، سرور و صلصالی، مهوش (۱۳۸۶)، روش‌های تحقیق کیفی، تهران: بشری.
۲. امیری، فاطمه (۱۳۹۳)، بررسی نقش رسانه‌ها در فرهنگ‌سازی برای کاهش آسیب‌های اجتماعی منجر به طلاق، همایش منطقه‌ای آسیب‌شناسی پدیده طلاق.
۳. بلالی، طیبه و شاه‌محمدی، اعظم (۱۳۹۳)، طلاق و تأثیرات روان‌شناختی آن بر زنان، همایش منطقه‌ای آسیب‌شناسی پدیده طلاق، سقز: دانشگاه آزاد اسلامی.
۴. پیشوایی، ملیحه؛ عطایی، وحید و پیشوایی، زینب (۱۳۹۳)، بررسی طلاق، علل و راهکارهای کاهش آن، همایش منطقه‌ای آسیب‌شناسی پدیده طلاق، سقز: دانشگاه آزاد اسلامی.
۵. جعفری هرنندی، رضا؛ نصر، احمدرضا و میرشاه جعفری، ابراهیم (۱۳۸۷)، «تحلیل محتوا روشی پرکاربرد در مطالعات علوم اجتماعی، رفتاری و انسانی، با تأکید بر تحلیل محتوای کتاب‌های درسی»، روش‌شناسی علوم انسانی حوزه و دانشگاه، شماره ۵۵.
۶. رسولی، مهستی و آشتیانی، زهرا (۱۳۹۰)، تحلیل محتوا با رویکرد کتب درسی، تهران: جامعه‌شناسان.
۷. ساروخانی، باقر (۱۳۷۶)، «مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده»، چاپ هشتم، تهران: انتشارات سروش.
۸. شریف‌آذر، جمال و شادجو، علی‌اصغر (۱۳۹۳)، تأثیر رسانه‌ها بر طلاق، همایش منطقه‌ای آسیب‌شناسی پدیده طلاق.
۹. شهابی، سیدسلام و محمدپور، عادل (۱۳۹۸)، تأثیر استفاده از رسانه‌های جمعی بر گرایش زوجین به طلاق در شهر بانه «مطالعه موردی زوجین ۴۵-۱۸ ساله شهرستان بانه»، همایش ملی پژوهش‌های نوین در علوم رفتاری و مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

۱۰. عبدالهی خلیج، محسن و کبودی، امین (۱۳۹۷)، نقش رسانه‌های جمعی در پیشگیری از گسترش طلاق، مدیریت رسانه، پیاپی ۴۳.
۱۱. علوی مقدم، نرجس (۱۳۹۴)، بررسی علت شناختی طلاق توافقی از دیدگاه نابرابری و برابری اجتماعی در بین زوج‌های منطقه ۴ تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی.
۱۲. عنایت، حلیمه؛ زارع، صادق و نجفی اصل، عبدالله (۱۳۹۲)، بررسی عوامل مؤثر بر طلاق زودهنگام در بین جوانان شهری شهر بوشهر (مقایسه دو گروه افراد طلاق گرفته و متأهل طلاق نگرفته)، مجله پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، شماره ۳.
۱۳. قاسمی، علی محمد (۱۳۹۵)، بازخوانی برخی از علل و عوامل طلاق با تأکید بر رسانه ملی، تهران: پژوهش‌های اسلامی رسانه.
۱۴. کاملی، جواد (۱۳۸۶)، «بررسی توصیفی علل و عوامل مؤثر بر بروز آسیب‌های اجتماعی طلاق در جامعه ایران با توجه به آمار و اسناد موجود»، فصلنامه دانش انتظامی، سال نهم، شماره سوم.
۱۵. کرمی بساطی، احسان و ابدالی، مهرداد (۱۳۹۵)، طلاق و تأثیر آن بر خانواده، اولین همایش ملی آینده پژوهی، علوم انسانی و امنیت اجتماعی، لرستان: دفتر تحقیقات کاربردی.
۱۶. کریمی، سحر (۱۳۹۵)، بررسی جنبه‌های مختلف طلاق در جامعه، ماهنامه پژوهش ملل، ۱(۵).
۱۷. گلشن، صیاد (۱۳۷۲)، «بررسی طلاق و عوامل اجتماعی - جمعیت‌شناسی مؤثر بر آن در سال‌های ۷۰-۶۴»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
۱۸. گود، ویلیام، جی (۱۹۴۸)، «خانواده و جامعه»، ترجمه ویدا ناصحی، تهران: بنگاه نشر و ترجمه کتاب.
۱۹. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸)، «سیاست، جامعه‌شناسی و نظریه اجتماعی»، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
۲۰. مهدی‌زاده، سیدمحمد (۱۳۹۵)، نظریه‌های رسانه؛ اندیشه‌های رایج و دیدگاه‌های انتقادی، (چاپ دوم)، تهران: همشهری.

۲۱. هاشمی، محمدساجد و فرخی، میثم (۱۳۹۴)، بازنمایی «نگرش مردم به روحانیت» در سینمای ایران؛ (مورد مطالعه: سه فیلم زیرنورماه، مارمولک، و طلا و مس)، فصلنامه رسانه و فرهنگ، شماره ۱.

۲۲. Spector, M. (۱۹۸۵) The social science encyclopedia: A .kuper and j. kuper editor. PP ۲۸۵-۲۹۰.

۲۳. Hall, S. & Jhally, s. (۲۰۰۷). Representation & the Media, Northampton, MA: Media Education

۲۴. Foundation.

۲۵. Hall, S. (۱۹۹۷). "The Work of Representation", In Cultural Representation and Signifying Hsieh, Hsiu-Fang and Sarah E. Shannon (۲۰۰۵). Three Approaches to Qualitative Content

۲۶. Mayring, Philipp (۲۰۰۰). Qualitative Content Analysis, Qualitative Social Research, Volume ۱.No ۲, ۲۰۰۰.